

معیارهای ارزیابی کیفیت فضاها و سکونتگاه‌های روستایی

علی یدقار * / ماجده پورروحانی **

1390/14/12

تاریخ دریافت مقاله:

1391/06/05

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

معیارهای سازنده کیفیت فضایی که امکان سنجش و ارزیابی سکونتگاه‌های انسانی و قضاوت در مورد خوبی و بدی و کارآمدی و ناکارآمدی آن‌ها را فراهم می‌آورند، در ادبیات طراحی شهری بسیار مورد بحث قرار گرفته‌اند و دیدگاه‌های متعددی پیرامون مؤلفه‌های سازنده کیفیت فضای شهری موجود می‌باشد. هرچند روستا نیز یک سکونتگاه انسانی می‌باشد، اما دارای ویژگی‌های کالبدی- محیطی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی خاص خود است که معیارهای اصلی مؤثر بر کیفیت در محیط‌های روستایی را، مورد سؤال قرار می‌دهد. بر این اساس هدف این پژوهش دستیابی به معیارهای کیفیت در فضاها و سکونتگاه‌های روستایی است و از آنجا که نظریات مدونی در این زمینه در دست نمی‌باشد، جهت نیل به این هدف از نظرات متخصصان مطرح در زمینه طراحی شهری و همچنین طراحی منظر، در تکمیل دیدگاه‌های پژوهشگران عرصه طراحی روستایی در کشور کمک گرفته شده است.

بنابراین با به‌کارگیری روش تحقیق توصیفی و تحلیلی سعی در تحلیل کمی و کیفی معیارهای کیفیت فضایی در دیدگاه‌های مختلف مطرح شده در این گفتار انجام گرفته است و نتیجه حاصله فهرستی سلسله مراتبی و طبقه بندی شده از معیارهای کیفیت در یک سکونتگاه انسانی مطلوب است که بر اساس تحلیل‌های کارشناسانه انجام گرفته، بسیاری از این معیارها در مورد فضاها و سکونتگاه‌های روستایی نیز صادق و واجد اهمیت بوده و برخی با شخصیت و محیط روستایی متناسب نبوده و مورد نقد واقع شده‌اند.

واژگان کلیدی: کیفیت فضایی، معیارهای کیفیت، طراحی روستایی، سکونتگاه و فضای روستایی.

* دکتری برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران.

** دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه تربیت مدرس. m_pourrohani@yahoo.com

مقدمه

«کیفیت» یک شیء مجموعه‌ای از خصوصیات یا صفات مشخص آن است که باعث متمایز شدن یک شیء از اشیاء دیگر شده، ما را قادر می‌سازد که در مورد برتری، مشابهت و یا فروتری چیزی در مقایسه با چیز دیگر قضاوت نماییم و از نظر زیباشناختی در مورد زیبا یا زشت بودن خوب یا بد بودن و از نظر عملکردی در مورد بهتر یا بدتر بودن و کارآمد یا ناکارآمد بودن آن قضاوت و حکم نماییم. (گلکار، 1379: 41)

سکونتگاه‌های انسانی و فضاهایی که انسان به دلایل مختلف (سکونت، اشتغال، رفت و آمد و گذران اوقات فراغت) در آن‌ها حضور می‌یابد نیز واجد کیفیاتی هستند که قابل ارزیابی می‌باشند آن چنان‌که به زعم لینچ هدف اصلی - در طراحی شهری - ارتقاء بخشیدن کیفیت محیط کالبدی انسان‌ها و از آن طریق ارتقاء بخشیدن کیفیت زندگی آن‌هاست (گلکار، 1378: 43) پس هرگونه مداخله در بافت‌های موجود و یا ایجاد سکونتگاه‌ها و فضاهای جدید بایستی این کیفیات را مد نظر قرار داده و سعی در بهینه نمودن آن‌ها داشته باشد.

طی دهه‌های گذشته متخصصان متعددی به طرح معیارهایی جهت ارزیابی کیفیت و طراحی فضاهای شهری پرداخته‌اند، اما در مورد سکونتگاه‌ها و فضاهای روستایی نظریات مدونی در دست نمی‌باشد. این در حالی است که روستاها سکونتگاه‌هایی هستند با ویژگی‌های مخصوص به خود که از نظم ویژه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی خاصی پیروی می‌کنند (علی الحسینی، 1387: 6) و طرح‌های هادی روستایی به‌عنوان نسخه‌ای ساده و کوچک از طرح جامع شهری که رسالتی مشابه را در قبال روستاهای کشور به عهده می‌گیرد، «مکان» و وجه کاراکتریستیک فضاهای روستایی و زمینه‌های ظهور آن به‌عنوان مهم‌ترین خصلت‌های روستا

که بدان ارزش میراثی می‌بخشد را مورد توجه قرار نمی‌دهند (حناچی و کوششگران، 1387: 26). به این ترتیب روستاهای کشور دستخوش مسائلی چون تخریب بافت‌های کهن و با ارزش روستایی، تشدید تخلیه بافت‌های روستایی، کاهش کیفیت زندگی و مخدوش شدن هویت فرهنگی ساکنین شده‌اند. (اکرمی، 1387: 12).

در این پژوهش با هدف دستیابی به معیارهای ارزیابی کیفیت فضاها و سکونتگاه‌های روستایی و با توجه به ضعف ادبیات مکتوب در این زمینه، از دیدگاه‌های بسیار مطرح در زمینه کیفیات طراحی شهری که ابعاد متنوع‌تری از کیفیت فضای شهری (عملکردی، تجربی - زیباشناختی و زیست محیطی) را مورد توجه قرار داده‌اند کمک گرفته شده است؛ نظرات پژوهشگران و فعالین در زمینه طراحی روستایی در کشور مد نظر قرار گرفته است؛ همچنین نظراتی در باب طراحی منظر به‌خصوص منظر پایدار (با توجه به رابطه تنگاتنگ محیط روستایی با فضای طبیعی) نیز بررسی شده، در نهایت با توجه به درجه اهمیتی که در میان تمامی دیدگاه‌ها به هر یک از معیارهای کیفیت داده شده است، معیارهای یک سکونتگاه انسانی خوب، با تأکید بر فضاها و سکونتگاه‌های روستایی ارائه می‌شود. بنابراین فرض بر این است که معیارهای سازنده کیفیت در فضاهای شهری و همچنین در منظرسازی می‌توانند اشتراکاتی با معیارهای کیفیت در فضاهای روستایی داشته باشند، چراکه همگی فضاهای مورد استفاده انسان را مورد توجه قرار داده‌اند و هرچند «ظرف» در هریک از این مقولات ماهیت متفاوتی دارد، اما چون «مظروف» یعنی انسان دارای نیازها و خواسته‌هایی مشخص و مشابه است، فضاهای زندگی او نیز می‌توانند خصوصیات مشابهی داشته باشند. با این وجود نباید این نکته را از نظر دور داشت که هر فضا و هر روستا خود یک پروژه

شده‌اند، به این ترتیب که هر معیار با توجه به توضیح و تفسیری که ارائه کننده دیدگاه راجع به آن بیان می‌دارد توسط معیارهایی صریح و جزوی جایگزین می‌شود تا امکان ارزیابی میزان تکرار آن در میان دیدگاه‌های مختلف و طبقه‌بندی موضوعی آن فراهم گردد. در ادامه با تحلیل کمی مؤلفه‌های عنوان شده و جمع بندی آن‌ها، معیارهای ارزیابی و طراحی یک سکونتگاه انسانی خوب در یک طبقه‌بندی موضوعی و سلسله مراتب اهمیتی، ارائه می‌شود و در نهایت این معیارها به‌طور خاص در رابطه با سکونتگاه‌های روستایی مورد تحلیل کیفی قرار می‌گیرند. (تصویر شماره 1)

دیدگاه‌های متخصصین طراحی شهری پیرامون

معیارهای سازنده کیفیت

در بررسی دیدگاه‌های متخصصین طراحی شهری، معیارهای ارائه شده توسط 5 مورد از مطرح‌ترین افراد و مراجع متخصص در این زمینه که ابعاد متنوع تری از کیفیت فضای شهری اعم از کالبدی-زیباشناختی، اجتماعی-فرهنگی، عملکردی، زیست محیطی و مدیریتی را مورد توجه قرار داده‌اند بررسی شده است.

منحصر به فرد محسوب می‌شود که ویژگی‌های خاص خود را داراست و معیارهای به‌دست آمده در این مطالعه کلی بوده و ممکن است در هر مورد به‌صورت کامل یا یکسان مصداق نیابند.

پرسش‌های تحقیق

معیارهای ارزیابی کیفیت و طراحی فضاها و سکونتگاه‌های روستایی چه هستند؟

مقایسه تطبیقی معیارهای کیفیت در فضاها و انسانی (شهرها، روستاها و منظرهای ساخته شده برای انسان) چه اصولی را برای ایجاد یک سکونتگاه انسانی خوب به دست می‌دهند و این معیارها تا چه اندازه برای به‌کارگیری در سکونتگاه‌ها و فضاها و روستایی مناسب هستند؟

روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی و تحلیلی ابتدا به توصیف دیدگاه‌های مختلف در رابطه با معیارهای کیفیت فضایی در طراحی شهری، طراحی روستایی و طراحی منظر پرداخته شده است. سپس موارد عنوان شده توسط متخصصین مختلف طی تحلیل محتوایی به‌صورت معیارهایی عمومی استانداردسازی

ت 1. فرایند تحقیق.



در انتها در تصویر شماره 2 این معیارها بر اساس تفسیری که این متخصصین راجع به هر یک از آنها بیان داشته‌اند، توسط معیارهایی صریح و جزوی جایگزین و استانداردسازی شده است تا به این ترتیب معادل‌های یکسانی برای موارد مشابه در نظر گرفته شده و در نهایت با سنجش میزان تکرار هر یک از معیارها در میان نظریات مختلف، بتوان درجه اهمیت هریک و طبقه موضوعی آن‌را روشن نمود.

کوپن لینچ (1981) در پاسخ به این سؤال که «چه چیزهایی یک شهر را خوب می‌سازد؟» یک نظریه کلی و عمومی در مورد یک مجتمع زیستی خوب ارائه می‌دهد که بتواند با هرگونه محیط انسانی سازگار بوده، به آن پاسخگو باشد و ارزش‌های عمومی را به عملیات خاص و مشخصی پیوند دهد. (لینچ، 1381: سیزده و چهارده) وی 5 محور اصلی سازنده کیفیت یک شهر را چنین برمی‌شمرد:

- سرزندگی: شکل شهر حامی عملکردها، نیازها و توانایی‌های انسانی بوده و بقای همه موجودات را ممکن سازد.

- معنی: شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شده و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است.

- تناسب: شکل و ظرفیت فضاها و تجهیزات یک شهر تا چه اندازه با الگو و کمیت فعالیت‌های مردم منطبق است.

- دسترسی: امکان دسترسی مردم به افراد، فعالیت‌ها، منابع، خدمات، اطلاعات و اماکن، شامل کمیت و تنوع عناصری که می‌توان به آن‌ها دسترسی پیدا کرد.

- نظارت و اختیار: امکان دسترسی به فضاها و فعالیت‌ها، و مشارکت در ایجاد، تعمیر، اصلاح و مدیریت آن‌ها.

همچنین او دو فوق معیار را به عنوان محورهای فرعی 5 معیار فوق مطرح می‌کند:

- کارایی: هزینه ایجاد و نگهداری شهر در سطوح مختلف، بر اساس هر چیز با ارزش دیگر.

- عدالت: چگونگی توزیع سود و زیان محیطی بین افراد بر طبق اصولی چون برابری، نیاز، تلاش و ...

عدالت معیاری است که عایدی بین افراد را متعادل می‌سازد، درحالی‌که کارایی عایدی بین ارزش‌های مختلف را متعادل می‌کند. (لینچ، 1381: 153-152)

یان بنتلی و همکارانش (1985) با این باور که محیط ساخته شده دست بشر باید با تقویت فرصت‌های مناسب، از طریق به حد اعلاء رساندن گستره گزینه‌های قابل عرضه به مردم، یک محیط دموکراتیک برای استفاده کنندگان فراهم آورد، چنین مکان‌هایی را «مکان پاسخده» خوانده (بنتلی و دیگران، 1382: 4) و جنبه‌های مختلفی را که طراحی می‌تواند از طریق آن‌ها بر قدرت و یا نحوه انتخاب مردم تأثیر بگذارد چنین برمی‌شمرند:

- نفوذ پذیری: قدرت انتخاب در رفتن از مکانی به مکانی دیگر.

- گوناگونی: گوناگونی تجربه فرم‌ها، استفاده‌ها، مردمان و معانی.

- خوانایی: چگونگی و سهولت درک مردم از فرصت‌ها و موقعیتهایی که محیط به آنان عرضه می‌دارد.

- انعطاف پذیری: میزان توانمندی محیط در پاسخگویی به استفاده‌های مختلفی که با اهداف مختلف مردم سازگار باشد.

- تناسب بصری: جزئیات ظاهری یک مکان که مردم را از گزینه‌های قابل عرضه به خودشان آگاه کند.

- غنای حسی: تنوع تجربیات حسی که موجد لذت استفاده کنندگان هستند.

- پایداری و تطبیق پذیری کالبدی
- حداقل نمودن مصرف انرژی در طراحی
- کاهش مصرف منابع تجدید ناپذیر از جمله زمین، و بهبود محیط زیست. (Urban Task Force, 2005: 40-42)
- ماتیو کرمونا و همکارانش (2008) ضمن استخراج اهداف طراحی شهری از منابع مختلف، یک سری «کیفیات سنتی و جهان شمول» برای فضاهای عمومی برمی‌شمرند که خصوصیات پیچیده و تداخلی اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی فضاهای محلی را آشکار می‌کنند. این کیفیات عبارتند از:
- نظم، پاکیزگی و مدیریت آلودگی‌های بصری و محیطی
- دسترسی آسان، سهولت حرکت پیاده، دسترسی از طریق حمل و نقل عمومی، نبود ازدحام و راه‌انداز
- زیبایی و جذابیت بصری، نظم و نگهداری از فضا، استفاده از هنرهای مردمی
- آسایش و نبود فعالیت‌های مزاحم و آلاینده، فراهم سازی تجهیزات و مبلمان مناسب، خوانایی و تعیین فضایی
- فراگیری تمامی گروه‌های اجتماعی و تشویق به درگیر شدن در زندگی جمعی
- فعال بودن تمامی فضاها و رونق و تنوع کارکردها، فعالیت‌ها و مکان‌ها
- جا دادن انواع کاربری‌ها، فعالیت‌ها، ارتباطات سواره و پیاده همساز و تأمین خدمات
- تشخیص و اصالت، حس مکان و هویت، غنای حسی
- ایمنی و امنیت
- قدرتمندی، دوام و انعطاف پذیری
- سبز و غیر آلوده، سالم و طبیعی، دارای تنوع زیستی

- رنگ تعلق: امکان افراد در زدن مهر و نشان خویش بر مکان. (بنتلی و دیگران، 1382)
- همچنین بنتلی در سال 1990 طی مقاله‌ای با عنوان «طراحی شهری اکولوژیک» سه معیار جدید را به عنوان مکمل معیارهای هفت گانه قبلی به ترتیب زیر ارائه می‌نماید:
- کارایی از نظر مصرف انرژی
- پاکیزگی (به حداقل رساندن آلودگی‌های هوا و ...)
- حمایت و پشتیبانی از طبیعت و حیات وحش (نگهداری از اکوسیستم‌ها). (گلکار، 1379: 44)
- گروه ضربت شهری انگلستان، تحت مدیریت ریچارد راجرز (1999) با هدف گسترده‌تر کردن حیطه انتخاب برای مردم، به طوری که افراد بیشتری فرصت زندگی در شهرهای سرزنده، موفق و مفرح را بیابند که بر اساس بهترین استانداردها و کیفیات ساخته شده باشند، چارچوبی از اصول طراحی را برای ایجاد مکان‌های سرزنده‌تر تدوین کردند. آن‌ها معتقدند این اصول تضمینی بر موفقیت یک مکان نیستند ولی می‌توانند قواعد لازم در آغاز به طراحی یک محدوده را ارائه نمایند:
- توجه به زمینه اجتماعی و فیزیکی سایت طراحی
- تداوم در مقیاس و کاراکتر محلی
- اولویت بر قلمرو عمومی و ایجاد سلسله مراتب در فضاهای عمومی
- دسترسی و نفوذپذیری بالا با اولویت حرکت پیاده و دوچرخه و حمل و نقل عمومی
- بهینه کردن کاربری زمین و تراکم بر اساس خدمات، تجهیزات، محرمیت، آلودگی و امنیت
- تنوع و اختلاط فعالیت‌ها و عملکردها در سطوح مختلف
- تنوع در نحوه تصرف

- حس تعلق و تملک، برانگیختن غرور، حس شهروندی و مهربانی، آزادی‌های فردی. (Carmona, 2008: 15)

مؤسسه Project for Public Spaces فضاهای عمومی بسیار عالی را فضاهایی معرفی می‌کند که جشن‌ها در آن‌ها برگزار می‌شوند، تبادلات اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهند، دوستان به یکدیگر برخورد می‌کنند و فرهنگ‌ها در هم می‌آمیزند. آن‌ها جلوخان نهادهای عمومی (کتابخانه‌ها، ورزشگاه‌ها و مدارس محلات) هستند، جایی که با دیگران و با حاکمیت در هم کنش می‌کنیم و زمانی که این فضاها به خوبی کار کنند، به مثابه صحنه زندگی عمومی ما عمل خواهند کرد. این مؤسسه ضمن ارزیابی هزاران فضای عمومی در سراسر جهان، دریافته است که فضاهای موفق دارای چهار کیفیت کلیدی هستند:

- دسترسی و به هم پیوستگی: تداوم، مجاورت، اتصال، خوانایی، راحتی، قابلیت پیاده‌روی و قابلیت دسترسی

- راحتی و تصویر پذیری: ایمن، پاکیزه، سبز، معنوی، جذاب، تاریخی، قابل پیاده روی و قابل نشستن
- کارکردی و فعال: مفرح، فعال، سرزنده، منحصر به فرد، اصیل، مفید، بومی، جشن پذیر و پایدار
- جامعه پذیری: متنوع، مهمان نواز، همیارانه، همسایه وار، غرور آمیز، دوستانه، بر هم کنشی و خوشامدگو. (www.pps.org)

دیدگاه‌های متخصصین طراحی روستائی پیرامون معیارهای سازنده کیفیت

در بررسی دیدگاه‌های متخصصین طراحی روستایی با توجه به در دست نبودن نظرات معتبر جهانی و طرح‌ریزی برای روستاها بر مبنای دستورالعمل‌های راهنمای محلی، معیارهای ارائه شده توسط 4 مورد از

افراد و مراجع متخصص در این امر در ایران و یک مورد از دستورالعمل‌های محلی خارجی که تقریباً تمامی این اسناد محلی از ساختار مشابهی پیروی می‌کنند، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در جدول شماره 2 معیارهای ارائه شده بر اساس تفسیری که این متخصصین راجع به هر یک از آن‌ها بیان داشته‌اند، استاندارد سازی شده و معادل‌های یکسانی برای موارد مشابه در نظر گرفته شده است، تا همانند بخش قبل بتوان در انتها این معیارها را طبقه‌بندی کرده و درجه اهمیت هریک را مشخص نمود.

حبیبی و دیگران (1389) ضمن تأکید بر اهمیت حضور مستقیم و تعیین کننده روستا در چرخه تصمیم سازی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا در برنامه‌های بهسازی، نوسازی، و بازسازی روستاها (حبیبی و دیگران، 1389: 3) عنوان می‌کنند که طراحی همگن با محیط در وجه کالبدی- فضایی خود چاره‌ای جز تبعیت از چارچوب‌ها و شرایط توسعه پایدار ندارد و به همان اندازه که برنامه‌ریزی روستایی مجبور به تبعیت از شرایط زیست محیطی برای توسعه پایدار روستا است، طراحی روستایی نیز مجبور به انطباق با اصول و شرایط زیست بوم است. (حبیبی و دیگران، 1389: 9) همچنین بر اساس تجربه‌های اندوخته شده، چه در مقیاس جهانی و چه در مقیاس ملی، اصول پایه طراحی روستایی را به این ترتیب بر می‌شمرند:

- سازمندی: همسازی سازمان فضایی کالبدی روستا با محیط (محیط فرهنگی، طبیعی، انسان ساخت، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی).

- رشد تدریجی: رشد آرام، تدریجی و یاخته‌ای سازمان فضایی و استخوان بندی کالبدی روستا، هماهنگ با گسترش و بزرگ شدن روستا.
- هماهنگی و سازگاری: سازگاری عملکرد و فعالیت‌های روستا در سازمان فضایی کالبدی آن.

ت 2. معیارهای کیفیت فضایی بر اساس دیدگاه‌های متخصصین طراحی شهری، و استانداردسازی آنها (نگارندگان)

لینچ	بتلی و دیگران	راجرز	کرمونا	PPS
سرزندگی - معنی - تناسب - دسترسی - نظارت و اختیار - کارایی - عدالت	نفوذ پذیری - گوناگونی - خوانایی - انعطاف پذیری - تناسبات بصری - غنای حسی - رنگ تعلق - کارایی مصرف انرژی - پاکیزگی و حداقل آلودگی ها - حمایت و نگهداری از اکوسیستم ها	توجه به زمینه اجتماعی و فیزیکی سایت - طراحی - تداوم در مقیاس و کاراکتر محلی - اولویت دادن به قلمرو عمومی - دسترسی و نفوذپذیری - بهینه کردن کاربری زمین و تراکم - تنوع و اختلاط فعالیتها و عملکردها - تنوع در نحوه تصرف - پایداری و تطبیق پذیری کالبدی - حداقل نمودن مصرف انرژی - مسئولیت پذیری زیست محیطی	پاکیزگی و نظم - دسترسی آسان - جذابیت بصری - آسایش - فراگیری و دعوت کنندگی - سرزندگی و مانایی و پررونقی - کارکردی بودن - تمایز و تشخیص - ایمنی و امنیت - قدرتمندی - سبز و غیر آلوده - حس تعلق و تملک	دسترسی و به هم پیوستگی - راحتی و تصویر پذیری - کارکردی و فعال - جامعه پذیری
زیست پذیری (فعالیتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، بیولوژیکی، زیست محیطی)، خوانایی کالبدی - هویت مکانی - انطباق با ارزشهای جامعه - تناسب با عملکردهای حال و آینده - دسترسی (با تمامی جنبه های کمی و کیفی) - حق انتخاب و آزادی در عمل - مشارکت (در ایجاد، نگهداری و مدیریت) - کارایی (فایده/ هزینه) - عدالت	حق انتخاب و آزادی در عمل - دسترسی (فیزیکی و بصری) - تنوع (کالبدی، عملکردی، اجتماعی) - خوانایی کالبدی و عملکردی - انعطاف پذیری - غنای بصری و غیر بصری - مشارکت (در شکل دهی به مکان) - کارایی انرژی - عدم وجود آلودگی (زیست محیطی) - پشتیبانی از اکوسیستمها	توجه به زمینه (جغرافیایی، ساختاری، کالبدی، اجتماعی، هویتی) - فضاهای عمومی و سلسله مراتب آنها - دسترسی (فیزیکی) - با اولویت پیاده - تناسب توسعه با امکانات و محدودیت ها - تنوع (عملکردی و اجتماعی) - انعطاف پذیری - دوام و پایداری (کالبدی) - کارایی انرژی - حفاظت از منابع - ارتقای محیط زیست	نظم و پاکیزگی - عدم وجود آلودگی (بصری، زیست محیطی) - دسترسی (فیزیکی) - با اولویت پیاده - غنای بصری و غیر بصری - مشارکت (در نگهداری و شکل دهی به مکان) - تناسب کارکردها و تجهیزات - خوانایی کالبدی - تعریف کالبدی فضا - تنوع (کالبدی، عملکردی، اجتماعی) - زیست پذیری (فعالیتی، اجتماعی) - هویت مکانی - تشخیص و اصالت - ایمنی و امنیت - دوام و پایداری (کالبدی) - حق انتخاب و آزادی در عمل - اکولوژیک (پیوند با طبیعت)	دسترسی (فیزیکی با اولویت پیاده، بصری) - اتصال فضاها - خوانایی کالبدی و معنایی (تصویر ذهنی خوب) - پاکیزگی - تناسب تجهیزات - ایمنی و امنیت - هویت مکانی - اصالت - تنوع (عملکردی و اجتماعی) - زیست پذیری (عملکردی و اجتماعی)

- مشارکت: مشارکت انسان روستایی و محیط طبیعی
 بلافاصل او در ایجاد سازمان فضایی کالبدی روستا.
 - سلسله مراتب مکانی: سلسله مراتبی که بلافاصله خود را در ترجمان سلسله مراتب اجتماعی - فرهنگی و رابطه قدرت در روستا تعریف می کند.
 - تنوع: روستا به عنوان بازتولید روابط انسان و طبیعت، علیرغم ساده به نظر رسیدن در نخستین نظر، همچون طبیعت مملو از تنوع و تفاوت است.
 - مقیاس انسانی: تعریف استخوان بندی روستا و کلیه ابعاد در مقیاس انسانی و طبیعی، و ایجاد فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی، نیمه عمومی و عمومی روستا بر اساس این مقیاس.
 - توازن: موزونی فرم، فضا و فعالیت در سازمان فضایی کالبدی روستا.

- بودن و زیستن: روستا در عین پیوند چندین سویه با محیط پیرامونی خویش، فضایی است یگانه و منفک از جهان، مکانی برای بودن در آرامش و آرامش در بودن و زیستن.
 - قلمرو: تعریف قلمرویی مشخص توسط سازمان فضایی کالبدی روستا با محیط پیرامونی خود و بازتولید این اصل در کوچکترین فضاهای روستا.
 - خوانایی: سادگی و وضوح در سازمان فضایی کالبدی روستا و جایگیری عناصر به درستی و در مکان خود به طوری که در همناویی با یکدیگر، خوانایی فضایی روستا را سبب می شوند.
 - کثرت و وحدت: تنوع فضاهای روستایی در عین سادگی و خلوص آنها، تعامل چندسویه هر یک از این

فضاهای متفاوت با دیگر فضاهای پیرامون، و ایجاد کلیتی یکپارچه به نام روستا.

- چشم انداز بصری: چشم انداز طبیعی - مصنوع از استقرار بافت و کالبد روستا در پهنه طبیعت، و ترکیب موزون عناصر و جزئیات این سازمان فضایی با یکدیگر و با طبیعت.

- هویت و شخصیت: هویت منطقه‌ای بر اساس شباهت های ظاهری روستاها، شخصیت بر اساس ویژگی‌های کالبدی فضایی روستا و چگونگی ترکیب با محیط‌های چندگانه موجد آن.

- انعطاف پذیری: ترکیب نرم و موزون بافت و ساخت روستا با طبیعت پیرامون و استقرار شایسته و بایسته آن با این طبیعت نشان از انعطاف پذیری سازمان فضایی کالبدی آن دارد.

- کنش و اندرکنش: تعامل دائمی با نیروهایی که از محیط‌های انسانی و طبیعی بدان وارد می‌شود و هماهنگی با این نیروها و دگردیسی همزمان بافت و ساخت روستایی. (حبیبی و دیگران، 1389: 9-15)

طی بررسی طرح‌های روستایی بعد از انقلاب اسلامی و نیز دگرگونی‌های روستاهای کشور، بنا به نظر علی الحسابی (1387) طرح‌های بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی که از اواخر دهه هفتاد در بنیاد مسکن آغاز گردید، با توجهی ویژه به روستاهای با ارزش کشور، تغییر نگاه و ذائقه طراحی در میان طراحان روستایی، مجریان و روستاییان را به عنوان هدف دنبال می‌نمود و در عین حال تلاش داشت تا با معاصر سازی و خلق فضاهای شایسته در روستاهای هدف و احیای بافت کالبدی و احترام به اصالت‌های فرهنگی، آئین‌ها و پایگاه‌های رفتاری آنان، به خواسته‌های مردم روستا و تغییرات ایجاد شده در شیوه‌های زیست آن‌ها نیز پاسخگو باشد. (علی الحسابی،

1387: 9) وی مهم‌ترین شاخصه‌های طراحی نوین روستایی را به شرح زیر بیان می‌کند:

- روستایی شدن: شکل‌گیری طرح روستایی در روستا و همراه با انسان روستایی و در ارتباط تنگاتنگ با محیط روستایی پدید آید.

- روستایی دیدن: توجه به روستا به مثابه روستا و نه به مانند شهر و یا زائیده‌ای از آن و یافتن راه حل‌های طرح از دل محیط.

- الگوسازی بوم محور و پایدار: توجه به بستر طرح و ویژگی‌های محیط کالبدی - فرهنگی آن، چراکه هرآنچه در روستاست تجلی حیات متعامل انسان روستایی و محیط پیرامون وی است و بنابراین معماری و بافت روستاها نیز بازتاب بوم و محیط و مصداق بارز پایداری است.

- معاصر سازی و پاسخگویی به نیاز: به گونه‌ای که ارزشهای کالبدی فضاها و مکانهای روستا حفاظت شده و به ساکنین حال و آینده انتقال یابد و با ایجاد تغییرات مناسب و درخور در کالبد ابنیه و بافت، فاصله گذشته و آینده را نزدیک نموده و بازتاب‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانی و ذهنی تحولات شیوه زندگی در فضاهای کالبدی منعکس گردد.

- زیبایی در عین سادگی: طراحی روستایی و معماری بومی در مناطق مختلف، به واسطه نظام‌های سنتی و توجه به ویژگی‌های محلی، به ارزش‌ها، مشخصات و هویت خاصی دست می‌یابند که ساده و بی‌پیرایه و در عین حال زیبا می‌نمایند.

- حضور مردم در کانون طرح و پشتوانه مشارکتی روستائیان: طرح‌های روستایی در مراحل طراحی و برنامه‌ریزی و حتی تصویب طرح‌ها باید بر نظرات، خواسته‌ها و مشارکت جامعه روستایی متکی باشند.

- تلاش در انتقال محوریت اجرای طرح بهسازی از دولت به اهالی و ایجاد حس تعلق روستاییان به سرزمین، که اساسی‌ترین راهبرد در سامان مناسب طرح بهسازی است.

- تبدیل نقش دولت به مدیر طرح و هماهنگ کننده عوامل ذیربط بیرون از روستا، چراکه توفیق در بهسازی کالبد روستا تا حد زیادی وابسته به اجرای صحیح برنامه‌هایی است که زیرساخت‌ها را در روستا فراهم می‌آورد.

- تکیه بیشتر بر ظرفیت‌های مکانی روستا شامل نیروی انسانی ماهر و نیمه ماهر، مصالح بومی و روشهای ساخت.

- حفاظت توسعه محور و توسعه حفاظت محور روستاهای با ارزش، که ضمن پیشگیری از دوقطبی شدن روستاها و شکل‌گیری بافت‌های جدید در کنار بافت‌های کهن و اصیل روستا به ارتقای سکونت و سطح زندگی در بافت با ارزش روستا کمک می‌کند.

- پرهیز از نگرش الگویی در ارائه طرح‌ها و انجام مطالعات آسیب شناسی در هر روستا و ارائه طرح‌هایی مبتنی بر درمان آن آسیب‌ها.

- تأکید بر ماهیت پژوهشی طرح‌های بهسازی برای تبدیل آن به موضوعی آکادمیک و غیر انتفاعی.

- بهره‌گیری از اهرم‌های حوزه گردشگری فرهنگی و اکوتوریسم در جهت اهداف بهسازی که آورده‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم اما ملموسی برای روستاییان در پی داشته باشد. (حناچی و کوششگران، 1387: 29-30)

در بررسی رویکردهای طرح ریزی کالبدی روستایی طاهرخانی 9 خصیصه زیر را مورد توجه قرار داده است:

کل نگری، بهینه گرایی، اصلاح گرایی، هدایت گری، کنترل، آمایش، تعادل بخشی، کارکرد گرایی، مکان گرایی.

- استفاده به‌جا از مصالح بومی: استفاده از مصالح بوم آورد در طرح‌های روستایی چهره‌ای آشنا به مکانهای طراحی شده و سیمای عمومی روستا داده و الگوی معماری بومی را تداوم می‌بخشد و فرهنگ ساز بوده و مروج ساخت و سازی همساز با الگوهای بومی می‌گردد. (علی الحسابی، 1387: 9-11)

حناچی و کوششگران (1387) ضمن نقد و بررسی طرح‌های هادی و بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی، مبانی نظری و راهبردهایی اجرایی جهت مداخله در ساختار بافت با ارزش روستاها ارائه می‌دهند:

- نظر به روستا به مثابه کانون تکوین سنت معماری سرزمینی

- نظر به روستا به‌عنوان مجموعه‌ای از باورها، رفتارها و ساخته‌ها، فرا رفتن از وجوه پدیداری و رجوع به سرچشمه‌های سنت معماری و زندگی هر بوم

- نظر به تمامیت روستا به‌عنوان یک کل واحد در طرح‌های بهسازی و پرهیز از توجه یک بعدی به بافت‌های با ارزش

- نگرش الگویی به ارائه طرح‌های محدوده بافت با ارزش برای تعمیم در تمامیت روستای مورد مطالعه که بهترین ضمانت برای پرهیز از اعمال سلیقه‌های فردی طراحان خواهد بود.

راهبردهای بهسازی بافت با ارزش روستایی:

- ارتقای مفهوم مکان به واسطه تکیه بر وجوه و حدود ارزش‌های اختصاصی هر روستا.

- ارتقای سطح زندگی روستایی و حفظ ارزشهای بومی روستاهای با ارزش جهت جلوگیری از تخلیه این بافت‌ها.

- تسری ارزش‌های شناخته شده بافت در قالب الگوهایی قابل تعمیم به بافت‌های میانی و جدید و دستیابی به یک روستای یکپارچه.

علاوه بر این می‌توان موارد دیگری را که توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (1386) مطرح شده است به این معیارها افزود:

مسئولیت پذیری، یکپارچگی ساختاری/کارکردی، ادراک محیطی، کارایی و اثربخشی، تسهیل گری، تناسب و سازگاری، پویایی، هماهنگی نهادی، نشاط و آرامش زیستی. (آقایاری هیر، 1387: 43)

سند «راهنمای طراحی در مناطق روستایی» که بخشی از طرح ناحیه‌ای شهر ولینگتون (نیوزیلند) می‌باشد، هدف خود را فراهم کردن زندگی روستایی پایدار، در عین ارتقاء و حفاظت شخصیت و مطبوعیت روستایی و کمک به محیط طبیعی این شهر عنوان کرده است. (Wellington City Council, 2009: 2) اهداف خرد این طرح تحت عناوین دسته‌بندی شده‌اند:

- عوارض طبیعی، اکوسیستمها و زیستگاهها: حفاظت و ارتقای شخصیت طبیعی زمین و عوارض آن و توجه به پایداری درازمدت اکوسیستمها و زیستگاهها از طریق بازشناسی و پیش بینی فرایندهای طبیعی.

- کشتکاری: با تقویت، گسترش و تکمیل الگوهای کشت ثابت، و به‌کارگیری پوشش گیاهی جهت ارتقای محیط زندگی و حداقل نمودن اثرات بصری ناسازگار همجواری‌ها و مسیرهای عمومی.

- میراث روستایی: حفاظت از عوارض فرهنگی و میراثی شامل درختان، خانه‌ها و دیگر ابنیه روستایی کهن.

- دسترسی: دسترسی مناسب به توسعه‌های جدید؛ دسترسی کارا، راحت و ایمن توسط شبکه راهها؛ طراحی معابر و مسیرهای دسترسی با حداقل مزاحمت‌های بصری و ساخت بر اساس خصیصه‌های روستایی؛ ارتقای پتانسیل‌های تفریحی در شبکه دسترسی.

- حدود و حریم‌ها: ایجاد حدود و ترکیب قطعات به صورت هماهنگ با عوارض طبیعی و الگوهای سنتی منظر سازی روستایی.

- مکانیابی ساختمان‌ها: تقویت الگوهای شاخص ارزشمند مکانیابی ساختمان‌ها، حداقل آثار بصری ساختمان‌ها در یک محیط روستایی باز، حفظ حالت باز و ساخته نشده در بلندی‌های با اهمیت، دستیابی به حس فضایی و حالت خصوصی نواحی روستایی، حداقل تخریب زمین در محدوده توسعه و تأمین دسترسی‌ها، دستیابی به محرمیت صوتی معقول برای ساکنین، بهینه نمودن کارایی انرژی در مکانیابی ساختمان‌ها در محدوده. - طراحی ساختمان‌ها: بناها و سازه‌های جدید متناسب با طبیعت و شخصیت روستایی بوده و از نظر بصری بر آن مسلط نباشند.

- آمادگی برای تغییر: مکانیابی دسترسی‌ها و ابنیه تا جای ممکن تراکم آینده را در نظر داشته باشد. (Wellington City Council, 2009: 5-18)

دیدگاه‌های متخصصین طراحی منظر پیرامون معیارهای سازنده کیفیت

در بررسی دیدگاه‌های متخصصین طراحی منظر با تأکید بر منظرسازی پایدار، معیارهای ارائه شده توسط 2 مورد از متخصصین و نیز یک دستورالعمل طراحی بررسی شده است که در جدول شماره 3 معیارهای ارائه شده توسط این مراجع بر اساس تفسیری که این متخصصین راجع به هر یک از آنها بیان داشته‌اند، به‌صورت معیارهایی صریح و جزوی جایگزین و استاندارد سازی شده و معادل‌های یکسانی برای موارد مشابه در نظر گرفته شده است تا همانند بخش قبل بتوان در انتها این معیارها را طبقه‌بندی کرده و درجه اهمیت هریک را مشخص نمود.

ت 3. معیارهای کیفیت فضایی بر اساس دیدگاه‌های متخصصین طراحی روستایی و استانداردسازی آن‌ها (نگارندگان)

حیثی و دیگران	علی الحسابی	حناچی و کوششگران	بنیاد مسکن	راهنمای طراحی در مناطق روستایی ولینگتون
سازمندی - رشد تدریجی - هماهنگی و سازگاری - مشارکت - سلسله مراتب مکانی - تنوع - مقیاس انسانی - توازن - بودن و زیستن - قلمرو - خوانایی - کثرت و وحدت - چشم انداز بصری - هویت و شخصیت - انعطاف پذیری - کنش و اندرکنش	روستایی شدن - روستایی دیدن - الگوسازی بوم محور و پایبند - معاصر سازی و پاسخگویی به نیاز - زیبایی در عین سادگی - حضور مردم در کانون طرح و پشتوانه مشارکتی روستاییان - استفاده به جا از مصالح بومی	روستا به مثابه کانون تکوین سنت معماری سرزمینی - روستا به عنوان مجموعه ای از باورها، رفتارها و ساخته ها - نظر به تمامیت روستا به عنوان یک کل واحد در طرحهای بهسازی - نگرش الگویی به طرحهای بافت با ارزش برای تعمیم در تمامیت روستای مورد مطالعه - ارتقای مفهوم مکان به واسطه تکیه بر وجوه و حدود ارزشهای اختصاصی هر روستا - ارتقای سطح زندگی روستایی و حفظ ارزشها - تعمیم مفهوم ارزش به تمامیت روستا - تلاش در انتقال محوریت اجرای طرح بهسازی از دولت به اهالی - تبدیل نقش دولت به مدیر طرح و هماهنگی کننده عوامل ذیربط بیرون از روستا - تکیه بیشتر بر ظرفیت های مکانی روستا - حفاظت توسعه محور و توسعه حفاظت محور روستاهای با ارزش - پرهیز از نگرش الگویی در ارائه طرحها - بهره گیری از گردشگری فرهنگی و اکوتوریسم در جهت اهداف بهسازی	کل نگری - بهینه گرایی - اصلاح گرایی - هدایتگری - کنترل - آمایش - تعادل بخشی - کارکرد گرایی - مکان گرایی - مسئولیت پذیری - یکپارچگی ساختاری / کارکردی - ادراک محیطی - کارایی و اثربخشی - تسهیل گری - تناسب و سازگاری - پویایی - هماهنگی نهادی - نشاط و آرامش زیستی	عوارض طبیعی، اکوسیستمها، و زیستگاه ها - کشتکاری - میراث روستایی - دسترسی - حدود و حریم ها - مکانیابی ساختمان ها - طراحی ساختمان ها - آمادگی برای تغییر
توجه به زمینه و تناسب با محیط (فرهنگی، طبیعی، انسان ساخت، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی) - رشد و تغییر تدریجی - تناسب کارکردها و کالبد آنها با یکدیگر - پیوند با طبیعت - سلسله مراتب (اجتماعی، فضایی و قلمروها) - تنوع (کالبدی) در عین سادگی - مقیاس انسانی - توازن در عین تنوع (فرم، فضا، فعالیت) - غنای بصری و غیر بصری - خودبسندگی در عین پیوند با محیط پیرامونی - آرامش - خوانایی کالبدی - وحدت (در عین کثرت) - هویت و شخصیت - انعطاف پذیری در برابر طبیعت و نیروهای طبیعی	توجه به روستا به مثابه روستا - مشارکت در طراحی، برنامه ریزی، تصویب، اجرا - توجه به زمینه و الگوگیری (محیط فرهنگی، طبیعی، انسان ساخت) - پیوند بین گذشته و آینده - زیبایی در عین سادگی - هویت مکانی - استفاده از مصالح بوم آورد و تداوم در الگوی معماری بومی روستا	توجه به روستا به عنوان میراث طبیعی و فرهنگی - توجه به زمینه و الگوگیری (محیط فرهنگی، طبیعی، انسان ساخت، اجتماعی) - وحدت (نگاه کل نگری) - الگوسازی (در بافت یک روستا و نه مشترک میان تعدادی روستا) - هویت مکانی - زیست پذیری (اقتصادی، اجتماعی) - پیوند بین گذشته و آینده - مشارکت در اجرا - هماهنگی نهادی - اولویت به زیرساخت ها - تکیه بر امکانات بومی - حفاظت و توسعه هم راستا - بهره گیری از گردشگری فرهنگی و اکوتوریسم	وحدت (نگاه کل نگری) - آمایش و بهینه گرایی - مشارکت در اجرا - توازن (فرم، فضا، فعالیت) - هویت مکانی - وحدت (کالبدی، عملکردی) - خوانایی کالبدی - کارایی - دسترسی (با تمامی جنبه های کمی و کیفی) - زیست پذیری (فعالیتی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی) - آرامش - هماهنگی نهادی	حفاظت و پایداری عوارض طبیعی و اکوسیستمها - توجه به زمینه و الگوگیری (طبیعی و انسان ساخت) - غنای بصری (حفاظت از منظر طبیعی و بهبود منظر از طریق عناصر طبیعی) - حفاظت از عوارض فرهنگی و کالبدی - دسترسی (فیزیکی - با اولویت پیاده) - عدم وجود آلودگی (بصری) - ایمنی و امنیت - محرمت بصری و صوتی - هویت مکانی و شخصیت روستایی - کارایی انرژی - تناسب با نیازهای آینده

اُون ای دِل معتقد است که منظرسازی پایدار ارتباطی به ظاهر منظر طراحی شده ندارد. یک منظر پایدار ممکن است رسمی یا غیررسمی، دارای نظم هندسی یا طبیعی و ساده یا پیچیده باشد. تنها باید در طراحی آن اصول پایداری رعایت شوند و اکوسیستمی ایجاد شود که به آرامی و به طور یکنواخت عمل می کند، به نگهداری کمی نیاز دارد و کمترین مشکلات ممکن را ایجاد می کند.

بر این اساس نکاتی که به کاربردی شدن منظرسازی پایدار کمک می کنند عبارتند از:

- سیستم زنده: با طراحی منظر به صورت سیستمی فعال که الگویی مشابه الگوی طبیعت دارد، این سیستم بدون نیاز به کنترل و مداخله و بدون وارد آوردن صدمات جبران ناپذیر به سیستم های زنده دیگر عمل خواهد کرد.

- خود پایداری: تعادل نیروها در یک سیستم زنده، به طوری که هیچ نیرویی از کنترل خارج نشود و آسیبی به سیستم نرساند.

- طراحی دقیق: خودپایداری محصول طراحی درست است، طراحی سنجیده‌ای که به موضوعی فراتر از ظاهر می‌پردازد و منظری طرح می‌کند که هم زیبا و هم کاربردی است.

- طراحی چرخه‌ای: در طبیعت همه چیز بازیافت می‌شود و به چرخه باز می‌گردد اما سیستم‌های متداول ساخته دست بشر دارای ساختاری خطی هستند. بازگشت به روشهای چرخه‌ای گذشته به طراحی کمک می‌کند مشکلات کمتری در طبیعت ایجاد کرده و دوام بیشتری داشته باشد.

- هماهنگی با محیط زیست بومی: انتخاب درست نوع گیاهان و مصالح، متناسب با ویژگیهای خاص منطقه (خاک، خرد اقلیم، تابش، پوشش گیاهی و...) اکوسیستمی پایدار ایجاد می‌کند که از حیات خود بسیار راضی است و نگهداری از آن به صرف منابع بسیار نیاز ندارد.

- مدیریت دقیق ورودی‌ها و خروجی‌ها: یک منظر پایدار از آنچه طبیعت در اختیارش قرار می‌دهد استفاده می‌کند و از منابع (مصالح ساختمانی، آب و کود) استفاده کارآمد می‌شود.

- در نظر گرفتن آثار احتمالی به جا مانده در سایت: اضافه کردن هر جزو باید با دقت فراوان انجام شود تا بخش اضافه شده جزوی از چرخه طبیعی باشد. برای به حداقل رساندن آثار منفی در سایت از مواد سمی، فرایندهای انرژی بر، دستگاه‌ها و ماشین آلات پر سروصدا و گیاهانی که به آبیاری بسیار نیاز دارند، استفاده نمی‌شود.

- در نظر گرفتن آثار به جا مانده در خارج از سایت: هیچ آسیبی نیز نباید متوجه منبعی شود که مواد اولیه از آن استخراج شده است.

- مزایای غیر از پایداری: یک منظر پایدار باید به اهدافی فراتر از پایداری دست یابد. مزایایی که منظرها برای کاربران و طبیعت دارند آن قدر زیاد است که با استفاده از انرژی آفتاب، باران و خاک می‌توان به آسانی بهشتی برای همه موجودات زنده ایجاد کرد. (دل، 1390: 32-35)

- توجه به اصول اولیه طراحی منظر: پیوستگی، تعادل، الگوهای تکرار شونده، تضاد و تنوع، شکل و فرم، خط دید، نقاط کانونی و نقاط دید مساعد، بافت و رنگ. (دل، 1390: 134-124)

سایمون بل طی بررسی نظریات زیبایی شناسی مختلف، توجه به کیفیات زیر را در ایجاد منظر زیبا و متعالی توصیه می‌کند:

- تنوع: بر حسب پیچیدگی و از طریق عناصری با مقیاسها و لایه‌های متفاوت و متضاد با هم تعریف می‌شود که در تمام مناظر خودسازمانده و اکوسیستمهای سالم به چشم می‌خورد.

- همبستگی: ساختار منظمی که در آن کل مهم‌تر از اجزای فردی آن است.

- روح مکان: کیفیت خاصی از منحصر به فرد بودن منظر و تمام الگوهای خودسازمانده و مناظر خوب طراحی شده، تجلی بی‌همتایی از فرایندهای موجود در یک زمان خاص اند که موجب ایجاد چنین کیفیتی می‌شوند.

- مرموز بودن: یعنی منظر دارای همبستگی است ولی نمی‌توان تمام آن‌را همزمان ادراک کرد. این موضوع مارا به کشف این مناظر تشویق کرده، وقت بیشتری را صرف درک آن‌ها می‌کنیم.

- مقیاس‌های چندگانه: سلسله مراتب یا طیفی از مقیاسها در رابطه با مقیاس انسان در الگوی منظر که جنبه‌ای از بزرگنمایی قیاسی است و چارچوبی برای

پیچیدگی فراهم می‌کند، همچنین موجب ایجاد تنوع شده و خصوصیات الگوهای خودسازمانده را منعکس می‌کند. - قدرت: ترکیب عوامل فوق که موجب تقویت یکدیگر می‌شوند تا کیفیات انتزاعی خود را افزایش دهند و زیبایی حاصل شده را قدرتمند می‌سازند. (بل، 1382: 125-126)

در یک جمع بندی اصول و مبانی طراحی منظر پایدار در سه رویکرد عمده قابل دریافت است:

- زیست محیطی: حفاظت از محیط طبیعی، هماهنگی

با طبیعت، ترفیع تنوع زیستی، چرخه مواد وانرژی، کاهش آلودگی‌های آب، هوا، خاک، صوت و صرفه جویی در انرژی. - عملکردی: ایجاد دسترسی‌های مناسب با تجهیزات متناسب، امکان استفاده همگانی، ایجاد امنیت و مشارکت مردمی در طراحی. - زیبا شناسی: ارتقای کیفیت بصری منظر و کاربرد اصول زیباشناسی منظر (وحدت، هماهنگی، جاذبه، سادگی، تنوع، تأکید، تعادل، مقیاس و تناسب، ترتیب و توالی). (اسداللهی، 1381 و رید، 1388)

ت 4. معیارهای کیفیت فضائی بر اساس دیدگاه‌های متخصصین طراحی منظر، و استانداردسازی آن‌ها (نگارندگان)

معیارهای کیفیت فضائی	اون ای، دل	سایمون بل	اصول طراحی منظر پایدار
سیستم زنده - خود پایداری - طراحی دقیق - طراحی چرخه‌ای - هماهنگی با محیط زیست بومی - مدیریت دقیق ورودی‌ها و خروجی‌ها - در نظر گرفتن آثار احتمالی به جا مانده در سایت - در نظر گرفتن آثار به جا مانده در خارج از سایت - مزایای غیر از پایداری - توجه به اصول اولیه طراحی منظر	تنوع - همبستگی - روح مکان - مرموز بودن - مقیاس‌های چندگانه - قدرت	زیست محیطی: حفاظت از محیط طبیعی، هماهنگی با طبیعت، ترفیع تنوع زیستی، چرخه مواد وانرژی، کاهش آلودگی‌های آب، هوا، خاک و صوت، صرفه جویی در انرژی - عملکردی: ایجاد دسترسی‌های مناسب با تجهیزات متناسب، امکان استفاده همگانی، ایجاد امنیت، مشارکت مردمی در طراحی - زیبا شناسی: ارتقای کیفیت بصری منظر، کاربرد اصول زیباشناسی منظر (وحدت، هماهنگی، جاذبه، سادگی، تنوع، تأکید، تعادل، مقیاس و تناسب، ترتیب و توالی)	
سیستم زنده، پویا، خود تنظیم، و چرخه‌ای - زیست پذیری (زیست محیطی) - پایداری - کاربردی بودن منظر - کارایی منابع و انرژی - توجه به زمینه (محیط طبیعی) - استفاده از مصالح و گیاهان بومی - تناسب توسعه با امکانات و محدودیتها - عدم ایجاد آلودگی (زیست محیطی) و آسیب رساندن به محیط پا منابع - غنای بصری و غیربصری - وحدت، توازن، تنوع، و به‌کارگیری الگوهای تکرارشونده	تنوع (کالبدی) - وحدت و هماهنگی - هویت مکانی - پیچیدگی و رمز آلودی (بر خلاف خوانایی سریع و آسان) - سلسله مراتب (و تنوع) در مقیاس - پایداری	حفاظت از محیط طبیعی و منابع - تناسب توسعه با امکانات و محدودیت‌ها - توجه به زمینه و الگوگیری (محیط طبیعی) - استفاده از مصالح و گیاهان بومی - ارتقای محیط زیست - عدم وجود آلودگی (بصری، آب، هوا، خاک، صدا) - کارایی انرژی - دسترسی (فیزیکی) متنوع و دورنگهداشتن سواره از مناطق حساس - تناسب کارکردها و تجهیزات - تنوع (اجتماعی، کالبدی) - عدالت - ایمنی و امنیت - مشارکت در تدوین طرح - غنای بصری - وحدت و هماهنگی - توازن، تنوع در عین سادگی - پیچیدگی و رمز آلودی - اتصال فضاها	

نتیجه

طی بررسی دیدگاه‌های متخصصین مختلف پیرامون معیارهای کیفیت فضایی، مشاهده شد که آن دسته از طراحان شهری که نظرات آنان در این پژوهش مطرح شد و از معتبرترین متخصصین این رشته می‌باشند، بر معیارهایی چون خوانایی کالبدی، تنوع اجتماعی و عملکردی، دوام و پایداری کالبدی، دسترسی، تشخص و اصالت، و مشارکت تأکید داشته‌اند. در طراحی روستایی نیز شاهد تأکید بر مواردی مانند هویت، توجه به زمینه (کالبدی، طبیعی، فرهنگی، اجتماعی، و...)، حفظ شخصیت روستایی، پیوند با طبیعت و مشارکت هستیم. به نظر می‌رسد در طراحی منظر تکیه بر ابعاد زیباشناختی بوده و وحدت و هماهنگی در عین تنوع، توجه به زمینه، عدم ایجاد آلودگی و آسیب رسانی به محیط و منابع، پایداری، و کارایی منابع و انرژی معیارهایی هستند که بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بر اساس بررسی‌های انجام گرفته می‌توان یک جمع‌بندی طبقه‌بندی شده و سلسله‌مراتبی از معیارهای کیفیت فضایی، مطابق جدول شماره 4 ارائه نمود، اما این معیارها لزوماً با فضاها و سکونتگاه‌های روستایی همخوانی نداشته و بایستی در رابطه با آن‌ها مورد تحلیل و بررسی کارشناسانه قرار گیرند. به این ترتیب یک فضا یا سکونتگاه روستایی خوب:

- از بعد کالبدی باید در کلیت و جزو فضاها خود دارای هویت شاخص، شخصیت و حال و هوای روستایی و برانگیزاننده حس مکان باشد؛ کالبد روستا بایستی دوام‌پذیری و پایداری ضمن امکان مطابقت با نیازهای زیستی زمانه داشته باشد؛ هرگونه مداخله در بافت روستایی باید با توجه به زمینه کالبدی و طبیعی روستا و در تداوم الگوی معماری بومی صورت گیرد؛ بافت واجد خوانایی، تنوع

کالبدی و ارزش‌های زیبایی شناختی از جمله وحدت، یکپارچگی و هماهنگی در اجزا باشد؛ همچنین از عناصر طبیعی از قبیل آب و گیاه و مصالح بومی، در منظر سازی و تقویت غنای حسی (غیربصری) بافت استفاده شود. بر این اساس می‌توان گفت روستا باید دارای محیط کالبدی شایسته سکونت و فعالیت و رشد انسانی، با شخصیتی منحصر به فرد و غنی باشد.

- از بعد اجتماعی و فرهنگی روستا نمی‌تواند دارای تنوع اجتماعی باشد و این معیار تنها مناسب فضاها شهری است، چنانکه در نظریات طراحی روستایی بحث شده نیز به آن اشاره‌ای نشده است. در روستا بهره‌مندی از یک ملات چسبنده و یکپارچه‌کننده فرهنگی است که یک بدنه یکپارچه اجتماعی را به‌عنوان سرمایه اجتماعی غنی آن فراهم می‌آورد. روستا باید واجد خصوصیت زیست‌پذیری اجتماعی باشد و همواره روابط صمیمانه روستائیان در متن بافت روستا به چشم بخورد و میل شدید به مشارکت و همدلی و حضور مؤثر و توأم با حس مسئولیت در میان اهالی وجود داشته باشد. توجه به زمینه و تناسب با محیط فرهنگی، اجتماعی و هویتی روستا یک ضرورت است. همچنین با عنایت به روستا به‌عنوان میراث طبیعی و فرهنگی از بیرون، در درون جامعه هم بایستی هویت اجتماعی قدرتمندی جهت پیوند به گذشته تاریخی و شناخت و افتخار نسبت به آن وجود داشته باشد.

- از بعد اقتصادی (عملکردی) سکونتگاه روستایی باید زیست‌پذیر بوده و سرزندگی، تحرک و بقای اقتصاد بومی خود را تضمین نماید. همچنین تنوع عملکردها در مقیاس خرد و تناسب و سازگاری آن‌ها با یکدیگر، با کالبد و با نیازها و امکانات بایستی مورد توجه قرار گیرد. - از بعد زیست محیطی باید پایداری و کارایی منابع و انرژی را تضمین نموده، از اکوسیستم‌ها پشتیبانی نماید؛

اجتماعی بحث شد، وجود یکپارچگی تفکر مدیریتی و نیز برخورداری از دانش و بینش مطلوب در امور (چه دانش بومی، چه سنتی و چه مدرن)، تأثیر به سزایی در بقا و توسعه روستا خواهند داشت.

موارد ذکر شده معیارهایی عمومی و کلی هستند که می توان در ارزیابی یا طراحی یک سکونتگاه روستایی به آن ها استناد نمود، اما لازم است این موارد در هر روستا به عنوان یک پروژه منحصر به فرد، بازتعریف شده و با خصوصیات آن روستا مطابقت پیدا نمایند.

هیچگونه آلودگی زیست محیطی و آسیب به محیط یا منابع ایجاد ننماید و در پیوند با طبیعت، به صورت سیستمی زنده، انعطاف پذیر، خودپایدار و چرخه ای عمل - نماید. به عبارتی دیگر روستا به عنصری از عناصر اکوسیستم طبیعی تبدیل شده و خود را چه از لحاظ منظر، کارکرد و یا دیگر بروندادها به طبیعت تحمیل ننماید.

- از بعد مدیریتی باید مشارکت روستائیان در تدوین طرح های روستایی و اجرا و مدیریت و نگهداری توسط آن ها منظور شده باشد. علاوه بر این چنانکه در بخش

5. جمع بندی طبقه بندی شده و سلسله مراتبی معیارهای کیفیت فضایی بر اساس کلیه دیدگاه های مطرح شده در این پژوهش (نگارندگان)

طبقه بندی	رتبه بندی معیارهای کیفیت فضایی بر اساس دفعات تکرار در نظریات	طبقه بندی	رتبه بندی معیارهای کیفیت فضایی بر اساس دفعات تکرار در نظریات
کالبدی - زیست‌بانی	هویت (حس مکان - حفظ شخصیت روستایی در روستاها)-9 دوام و پایداری کالبدی (و زیست پذیری کالبدی)-7 توجه به زمینه و تناسب با محیط طبیعی و انسان ساخت (ضمن تداوم در الگوی معماری بومی روستا و الگوگیری از طبیعت)-7 خوانایی کالبدی-6 تنوع کالبدی (تنوع در عین سادگی در محیط های روستایی)-6 غنا ی بصری (و حفاظت از منظر طبیعی و بهبود منظر از طریق عناصر طبیعی و مصالح بومی)-6 وحدت، یکپارچگی، و هماهنگی (ضمن نگاه کل نگر در طراحی روستایی)-6 دسترسی فیزیکی متنوع، با اولویت پیاده، ضمن توجه به دور نگهداشتن سواره از مناطق حساس-5 تنوع در عین سادگی، توازن، و یکبارگیری الگوهای تکرار شونده در طراحی (فرم، فضا، فعالیت)-4 غنا ی غیربصری-4 اولویت دادن به فضاهای عمومی و اتصال فضاها و سلسله مراتب فضاها و قلمروها-4 استفاده از امکانات، مصالح و گیاهان بومی-4 عدم وجود آلودگی بصری-3 تناسب تجهیزات-3 تناسب توسعه با امکانات و محدودیت ها-3 انعطاف پذیری (و تناسب با نیازهای آینده)-3 دسترسی بصری-2 آرامش، نظم و پاکیزگی-2 پیشپاکی و رمزآلودی (عکس خوانایی سریع و آسان)-2 پیوند بین گذشته و آینده-2 دسترسی خوب به طیف گسترده ای از امکانات محسوس و نامحسوس-2 تعریف کالبدی فضا-1 مقیاس انسانی در محیط روستایی-1 تنوع در مقیاس در محیط طبیعی-1 محریمت بصری و صوتی-1 رشد و تغییر تدریجی، آمایش و بهینه گرایی-1 استقلال روستا و خودبستگی در عین پیوند با محیط پیرامونی-1	فرهنگی - اجتماعی	تنوع اجتماعی-5 زیست پذیری اجتماعی-5 توجه به زمینه و تناسب با محیط فرهنگی، اجتماعی و هویتی-4 ایمنی و امنیت-4 تشخص، اصالت و انطباق با ارزش های جامعه-3 حق انتخاب و آزادی در عمل-3 نظر به روستا به عنوان میراث طبیعی و فرهنگی (و با امکان بهره گیری از گردشگری فرهنگی و اکوتوریسم)-2
	عملکردی	زیست پذیری فعالیتی و اقتصادی (سرزندگی، تحرک و بقا اقتصاد بومی)-5 تنوع عملکردی-4 توجه به زمینه و تناسب با محیط اقتصادی و سیاسی-1 تناسب فضا با عملکردهای حال و آینده-1 تناسب کارکردها و کالبد آن‌ها با یکدیگر-1 تناسب کارکردها با یکدیگر-1 تناسب کارکردها با نیازها-1 خوانایی عملکردی و معنایی-1 کاربردی بودن منظر-1	
	زیست محیطی	کارایی انرژی و منابع-5 پشتیبانی از اکوسیستم ها (و زیست پذیری اکولوژیک)-4 عدم وجود آلودگی زیست محیطی و آسیب نرساندن به محیط یا منابع-4 پیوند با طبیعت و انعطاف پذیری در برابر طبیعت و نیروهای طبیعی (سیستمی زنده، پویا، خود تنظیم، و چرخه ای)-4 حفاظت از محیط طبیعی و منابع-2 ارتقای محیط زیست-2 زیست پذیری بیولوژیک-1	
	مدیریتی	مشارکت در تدوین طرح و اجرا-5 مشارکت در شکل دهی به مکان-2 مشارکت درمدیریت و نگهداری فضا-2 کارایی فایده/ هزینه-2 عدالت-2 حفاظت و توسعه هم راستا (با اولویت دادن به زیرساختها)-2 هماهنگی نهادی-2	

منابع

- Wellington City Council. (2009), *Rural Area Design Guide*, at: <http://www.wellington.govt.nz/>
- *What Makes a Successful Place?*, at: <http://www.pps.org/articles/>

- اسداللهی، طناز. (1381)، طراحی منظر پایدار نواحی تفریحی درون شهری. پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده محیط زیست دانشگاه تهران.
- آقایاری هیر، محسن. (1387)، تبیین رویکردهای طرح ریزی کالبدی روستایی، فصلنامه آبادی، شماره 59، 42-47.
- اکرمی، غلامرضا؛ سامه، رضا. (1387)، فراگیری، جامع نگری و چالش‌ها در طرح بهسازی بافت‌های با ارزش روستایی. فصلنامه آبادی، شماره 60، 12-17.
- بل، سایمون. (1382)، منظر: الگو، ادراک و فرایند. ترجمه بهناز امین زاده، تهران: دانشگاه تهران.
- بتلی، یان و دیگران. (1382)، محیط‌های پاسخده. ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حبیبی، محسن و دیگران. (1389)، طراحی روستایی، مشارکت و توسعه پایدار، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره 132، 3-16.
- حناچی، پیروز و کوششگران، علی اکبر. (1387)، بررسی راهبردها و سیاست‌های مداخله در ساختار بافت با ارزش روستاها، فصلنامه آبادی، شماره 59، 24-31.
- دل، اُون ای. (1390)، منظرسازی پایدار برای همه، ترجمه طلا آذرخش و دیگران، تهران: گروه بین‌المللی ره شهر.
- رید، گرانت. (1388)، از مفهوم تا فرم در طراحی منظر. ترجمه محسن فیضی و دیگران، تهران: فرهنگ متین.
- علی الحسابی، مهران. (1387)، کندوکاوی در کیفیت طراحی روستایی، فصلنامه آبادی، شماره 60، 6-11.
- گلکار، کوروش. (1378)، کندوکاوی در تعریف طراحی شهری، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری.
- گلکار، کوروش. (1379)، مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری، فصلنامه صفا، شماره 32، 38-65.
- لینچ، کوین. (1381)، تئوری شکل شهر. ترجمه حسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.

- Carmona, Matthew. (2008), *Public Space : The Management Dimension*, London : Taylor & Francis eLibrary.
- Urban Task Force. (2005), *Towards an Urban Renaissance*. Chaired by Lord Rogers of Riverside, London : Taylor & Francis eLibrary.